

آمریکا، عکس از شینهوا

دی روزنامه

مصادیب قضایت فوری

رئیس اتحادیه فروشنده‌گان مرغ و ماهی دلیل افزایش قیمت کوشت مرغ را اگر مای شدیده‌ایان کرده است. سعی کردم این دو مورد را به هم ربط بدهم. گفتم شاید همان طور که به پهنه‌نی دروازه بان لیگ، به جای دستکش، توب توب تیرک دروازه با چیز مرتبط بذکری به بستش، جازه‌نشش طلا داده اند، مسئولان مرغ گوشتری را با سنتی قبیه اشتباه گرفته اند که فیشمنش را به گرمای هوا رطیعی دهنده. بعد که کردیم شاید طبق معمول در یک کالک بالا شکه و برانه ای نوشته و گفته شده که خوردن ته چین مرغ باعث از بین رفتن عوارض گرم‌زادگی می‌شود. لابد به دلیل داشتن «نه» دیگر! درنه چین و این که هوازی گرم‌الای رود و باین ونه هر محظی است! بعد دیدیم این طور رطیع داده این خبر به این دلیل خلیل تجیی است و حتی به ذهن مدیران کاتال های تلکامی که از پروفسور سمعی کلمات ضاری درباره روش صحیح گرفتن بینجری تراکتور می‌نویسد، هم نمی‌رسد. سپس این نتیجه را گفتیم که شاید هر مومن هایی که گفته می‌شود به مفرغ ها تزریق و خورانده می‌شون، روی بدن انسان هم اثر می‌گذارد و نوعی قدرت برخوراند که خوردن گرا با اتحمل کند. برای همین تقاضای مرغ در تاسیان زیاد می‌شود و قبیلش بالا می‌رود. ولی با خودمان گفتیم حتی سازندگان فیلم های ابرقه‌رمان هم از این دلیل خنده شان می‌گیرند، چه برسد به ما که مرغ خواران می‌دهد که می‌توانند گرا با اتحمل کند! برای در آخر به جای گفته‌نی های برت و بلا تصمیم گرفتم خیر را تا آخر بخوانم و در نتیجه فهمیدم دلیل گرانی گوشت مرغ، تأثیر گرما بر تولید چوجه و کاهش آن هاست. چه خوب است همیشه کله از نتیجه گیری های شناخته‌ده هایی هر موضعی را خوب و راقد بخواهیم تازد و قصافت نکنیم. مثلاً همین موردی که پکی از نایاندگان مجلس می‌خواسته وارد خط و پرده فروگاه شود و حون پلیس اجازه نداند، مجبور شده روی پلیس اعمال زور کند و خودش دچار اعمال قانون شده است. چرا به جای منفی باقی به این فکر نمی کنیم که شاید آن آقای شنیده که مرغ از دستش نبزد؟ غیر از داشته که مرغ از دستش نبزد!

باش ماس



ایده و اجراء: صابری

ما و شما

شماره پیامک: ۰۰۰۰۹۹۹

* پرونده سرقت از ستاره ها خودنی بود. اعظم، مشهد * در پرونده سیسته پیشنهادی مان های معروف، چرا از چهارتا پیشنهاد تو ساخت خارجیه؟ مان خوب داخال نداریم یعنی؟ * تو مسئول گلک هستی و شخصیت های کتاب شارده کوچولو عالی بود. درود بر «انتوان آگوپی». شاده کوچولو نماد کوک و بنتیاه هم ندیست. موطاب شان باشیم چون مسئول گل خودنمایی هستیم.

* برده های کتاب شارده کوچولو عالی بود. هر کدام شون رو باید یک تابلو کرد و توافق نسب کرد و ازش درس گرفت.

* برای کیف پول در دور دنیا نویند به پول ما قبیلش جه قدر میشه که زدید ۶۰۰ هزار دلار! تقریباً میشه دو میلار و ۴۰۰ میلیون. درسته عددهون؟

ما و شما: بله! قبل از چاچ خبر، خودمان هم شک کردیم اما منبع اصلی خبر نوشته به علت استقبال از این کیف، قیمت آن تا حدود ۶۰ هزار دلار بالا رفته است!

* با تشکر از زندگی سلام، میشه جاهای دیدنی استان هارا هم معرفی کنید. منون.

* آفرینش که روزهای خون یادتون نرفت. هم کارتون زدن هم آق کمال. به خون هموطنان خون زاندیمه، کلمه سازمان اهدای خون

لایک | کoment

زنگی سلام

من موندم چطور تو سریال ها طرف یک جاش درد می‌کنه، هنوز قرمهه از گلوش یا بنین نرفت خوب میشه، اون وقت من از صبح تا حالا ۱۰ تا ۱۰۰۰ خوردم، هنوز افراده

من از لولد بخاری واقعا سپاس گزارم سبک ترین چیز توی اثاث کش همینه!

از وقت پیاز گردن نمده، کوچیده ها مزه کوشت میده!

یک بازی شاد و مفرح هم هست. بهش میگن استیکریزای این جوریه که تو نکلام را باست و اون قدر با استیکر جواب همینکه رو میدن که با آخره یک توی فسته من شین!

دخت دادی ۲۴ام سالشنه: ای بایستاکیش زده «باغم انگیز ترین حالت تهران چه کنم؟» جالب این جاست خونه شون اهلایک شهردیگه است و تا حالا هنرمندو موده!

تو گروه فامیلی ما چنان دریابه مساله موجود در جامه بحث می کنند که یک بیماری که تحت عمل جراحی این پوشش قرار گرفته، به علت یک مشکل زننده که هایش آن قدر بزرگ شده بود که باعث تنگی نفس شدید او شده بود. هر کدام از کلیه های این بیمار ۴/۲۵ کیلوگرم وزن داشت!

ای کاشش بی شعوری هم دانیسور بود و قیل از پیدایش انسان منقرض می شد!

شعر طنز

آن چه گذشت

رفت اصغر سر فرار خودش
گفت کبری شما که دامادی
می شوی اند خوبی و مردی
ای تو زیان توی میدانم
کوه راهی کمک من چمن»
گشتن آغاز زندگی جدید

فصیله مراسم ازدواج کبری و اصغر تا طلاق!
گشت از این کار، صفری هاچ واج
هم زن و مردش کار در این بود
دسته کل با گاذگ برخون بود
بر کرسی را اصغر کش باش داد
روی هر میزی سلف سرویس بود
حرف تها حرف کبری بود و بسی
شکل کبری با عمل تعییر کرد
رفت فواره از خودش تقطیع!
نام خود را کرد بعداً مرسدس!
زد لب از اون یک جلو
بعد چندی هر اچارا گذاشت
ژون کبری جنین خود نداشت
ژردن اینه اصغر کرفت
از کوتور یک شسی پر را گرفت
آن پلارز رو به دیرا را بود
هرچه دارایی اصغر بود، رفت
بعد کوکم مانعی از هم جدا
امراز حسین خوش حال

حالی که خوب می شود اگر...

این روزها اخبار زیادی می شنیم از اتفاقات ناگواری که سر آدم هایی بی دفاع مثل کودکان می آیدیا از فقر و گرسنگی انسان هایی در دور و نزدیک با خودی می شویم و البته خوش گذرانی های آن چنانی ازده ای دیگر نیز هزار گاهی به گوش می رسد و مهمنان این روند کارهای شود. به نظر می رسد که حال خیلی از ما آدم های خوب نیست. شاید بگویید کی از دلایل این انسان خوش اخیزیدن، قدر گرفتن رسانه ها بشد که بالا اصله اخبار را منتشر و همه از این همه خبر تلخ با خیر می کنند. اینه که این روز از انداده ای درست است و ای اگاهی از این واقعیت هم باز صورت مسئله را یک نمی کند. مسئله این است: چرا حال مادم ها خوب نیست؟ این که «بیدی هست» همه قبول داریم اما در این بردن آن یا کم کردن آثار آن همه یک صدا نیستم. به نظر می رسد یک علت مهمش خود ما باشیم. خیلی از ما آدم های در و خود آمدن بدی ها و گوش گیری خوبی ها سهیم مستیم اما اسی می کنیم آن را انکار کنیم. نمونه بارشی بی اعتمایی اجتماعی است. این که برایمان فرقی نمی کند حال دوستانم یا آدم های شهر و وستایمان چونه است؟ مثلاً این که چه فرقی می کند که ایکس سوالی از من پرسید چگونه با برخورد کم؟ لیختن بدم یا با ساردي جواش را بدhem و با اصلاح دشوه بروم! شاید خنده دار به نظر برسد و عده ای بگویند خب حالا که چه با این کار مشکلات همه کشور حل می شود؟ باش این است که شاید حلقه ای تو ایکی نفر را می تواند پهنه نهند. این که برایم هم باشد دیگران سالشان خوب می شود، تمرینی می شود برای من که هیچ وقت و در هیچ کمال به خون هموطنان خون زاندیمه، کلمه سازمان اهدای خون

احمد کاظمی

نشستن دسته جمعی پرندگان روی قسمتی از کابل های برق در فنلاند
عکس از گاردن

ذکر روز سه شنبه
صد مرتبه

حافظ ۲۸

نجات مردم از تله کابین خراب شده در المان توسط آتش نشان ها.
عکس از خبرگزاری فرانسه

زنگی سلام

هر که بروی این [زمین] است
از انس و جن [محکوم به فناست]
الرحمن ۲۶

آیات نور

پایان کار نستجوییده، پیشیمانی است

حیات اسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر آیه ۶ سوره حجرات با این مضامون که: «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برای شما خبری اورد فوری تحقیق کنید، میادا به خاطر زودباری و شتابزدگی تصمیم بگیرید و ناگاهانه به قومی آسیب رسانید، سپس از کرده خود پیشمان شوید.»

نکاره را مطری کرد که اند که می داند اما حساب کسی که فسق او بر همه روش شد از افراد عامدی جداست. ۲- گرچه ما باید به سراغ خیر گرفت از فاسق نزدیک و ای آن در صددند که به سراغ ما بیایند و اخبار نادرستی را بازگو کنند. ۳- ایمان با خوش بازی سازگار نیست.

۴- جامعه اسلامی در عرض هر گونه تهاجم خبری است و مردم باید هوشیار و اهل تحقیق باشد. ۵- چون گاهی فاسق را شنیده، می تواند قمی را گرداند اما

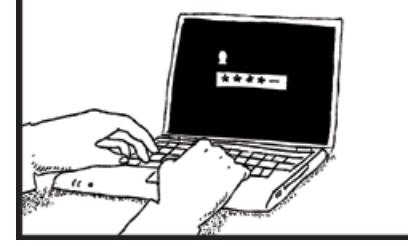
او را تکذیب کرد، بلکه باید تحقیق شود. ۶- با تحقیق و بررسی، فاسقان را متنبه کنید و نگارایم میدان دار جامعه اسلامی باشند و عرصه را برآن ترک کنید. ۷- اقدام به کشیده شد، می تواند قمی را نابودی کشاند.

۸- اقدام عجولانه و بدون بررسی و تحقیق، نوعی جهالت است. ۹- پایان کار نستجوییده، پیشمانی است.

بر گرفته از کتاب تفسیر سوره حجرات، ص ۵۳

فتوونکه

وجود مشکل نباید باعث بدینی شود
اما بدینی باعث ایجاد مشکل می شود



غلط نویسیم

حاصل با هایل فرق دارد؟

این دو کلمه را ناید با هم اشتیاه کرد. «حاصل» اسم است به معنای آن چه میان بین بر چه واقع شود و مانع اتصال آن باشد اما «هایل» صفت است به معنای ترسناک و هولناک.

برای تشخص آن های توکن با توجه به محل قرارگیری شان در جمله، آن ها استفاده کرد.

از کتاب غلط نویسیم اثر ابوالحسن نجفی

سخن بزرگان

* تلویزیون ثابت کرد که مردم حاضرند به همه چیز نگاه کنند

مگر به همیگر!

* فقیر بودن مایه شرمساری نیست، گرچه می توان باشد.

هایار

که تلاش اینه یک پیشنهاد برای این خانه بعد این

سرانجام نرسید، آن را به مزایده کرد اینه که در موقعیت مناسبی در شهر

آن خانه را بخرد که او هم تنهایک پوند برای این خانه که در موقعیت مناسبی در شهر

فرق دارد، پیشنهاد داده است. خراب شدن زود هنگام و سایلی که در این خانه از آن استفاده می شود، تنهای این خانه به نظر می رسد!

اسکای نیوز مطبوع پوند برخی

آخر خوبه در نیوکاسل انگلیس

کافی بوده تا در حراج و رئیس

دکتر «فریبریز باقیر» اهدا کرد.

بیماری که تحت عمل جراحی

این پوشش زننده که هایش آن قدر بزرگ شده بود که باعث تنگی نفس شدید او

شده بود. هر کدام از کلیه های این بیمار ۴/۲۵ کیلوگرم وزن داشت!

خانه ای که قیمت اش تنها یک پوند است!

اسکای نیوز مطبوع پوند برخی

آخر خوبه در نیوکاسل انگلیس

کافی بوده تا در حراج و رئیس

برسی صاحب این خانه بعد این

که تلاش اینه یک پیشنهاد برای این خانه به

سرانجام نرسید، آن را به مزایده کرد اینه که در موقعیت مناسبی در شهر

آن خانه را بخرد که او هم تنهایک پوند برای این خانه که در موقعیت مناسبی در شهر

فرق دارد، پیشنهاد داده است اما همچنان دو مولور دیدگر

باقی مانده است و بیرون می آمد.

دیگر کمی میان دو مولور دیدگر که متنه اینه که میان دو مولور دیدگر

دو مولور بین دو مولور دیدگر که میان دو مولور دیدگر